



آمریکای خوار جهان

با پهلو گرفتن نفتکش فارست، دومین محموله بنزین ایران نیز به ونزویلا رسید

اظهارات بی سابقه جوزپ بورل مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی:

دوران رهبری آمریکا در جهان پایان یافته است

تیتراهای امروز

حمایت و دلجویی حجت‌الاسلام موسوی فرد نماینده ولی فقیه و امام جمعه اهواز از آسیب‌دیدگان تجمعات اعتراضی اهالی غزناویه

امام جمعه پشتیبان مردم



پژوهشگر سعودی پشت پرده عفو قاتلان را فاش کرد

فشار بن سلمان به خانواده خاشقجی

«وطن امروز» از جدیدترین تغییرات ارزش سهام عدالت گزارش می دهد

سهام عدالت

۸ میلیون و ۶۰۰

پیشنهاد تشکیل مجمع بین‌المللی کارگردانان جهان اسلام

در دیدار حاج قاسم با سینماگران چه گذشت؟

گفت‌وگو

مره صدق در گفت‌وگو با «وطن امروز» مطرح کرد **یهودیان ایران**

سلاح به دست در برابر اسرائیل

بیانات رهبر معظم انقلاب در روز قدس علیه جنایات رژیم صهیونیستی با بازتاب گسترده جهانی مواجه شد. در این بین وزیر خارجه انگلیس که کشورش خود مختار و مبتکر رژیم جعلی اسرائیل بوده به این سخنان واکنش نشان داد. «دومینیک راب» در پیام توییتری خود سعی کرد با تحریف بیانات مقام معظم رهبری، بیانات ایشان را «ظواهری ضدیهودی» وانمود کند و زست دفاع از یهودیان به خود بگیرد. این در حالی است که بارها امام خمینی و مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند جمهوری اسلامی حساب صهیونیسم را به عنوان یک تفکر نژادپرستانه از دین یهود جدا می‌داند. دکتر «سیامک مرصق» نماینده یهودیان در ادوار هشتم، نهم و دهم مجلس شورای اسلامی درباره موضوع «جمهوری اسلامی و یهودیان» با «وطن امروز» گفت‌وگویی کرده است که متن اظهارات وی در ادامه می‌آید:

صهیونیسم؛ داعشی دین یهود
صهیونیسم یک قرائت داعشی از دین یهود است. همان طوری که مسلمانان موظفند بیشتر از بقیه مردم دنیا با داعش مخالفت کنند، هم با جنبه‌های غیرانسانی داعش و هم با سوءاستفاده‌ای که داعش از مفاهیم و ارزش‌های اسلامی می‌کند، یهودیان هم موظفند بیش از سایر مردم دنیا با صهیونیست‌ها مقابله کنند، هم به علت رفتارهای ضدانسانی آنها، هم به علت سوءاستفاده آنها از اسم یهود. اینکه صهیونیست‌ها همه فسادهای وحشتناکشان و کودک‌کشی‌ها و صبرا و شتیلا به راه انداختن‌هایشان را به اسم دین یهود انجام می‌دهند، برای ما یهودیان بسیار دردناک است. تفکر صهیونیسم منتها ز نتایج آن منظر انسانیت مردود است، بلکه نقطه مقابل ارزش‌ها و تعالیم دین یهود است.

وضعیت بهتر یهودی‌ها در جمهوری اسلامی نسبت به دوران پهلوی
قانون اساسی دوران پهلوی، نگاه نامطلوب و غیراخلاقی به اقلیت‌های دینی داشت. در آن قانون اساسی نسبت به اقلیت‌های دینی نوشته بودند کلیه‌ها، مسیحی‌ها و زرتشتی‌های «مقیم ایران». این کلمه «مقیم ایران» بار حقوقی خاصی خودش را داشت که در واقع باعث می‌شد این اقلیت‌ها شهروندان ایرانی محسوب نشوند اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته شده «ایرانیان کلیعی، مسیحی و زرتشتی». این یعنی به رسمیت شناختن کامل حقوق شهروندی. یهودیان مانند دیگر اقلیت‌های دینی در کمال آسایش در جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند. ما هیچ‌وقت احساس نکردیم فشاری علیه اقلیت‌های دینی در کشور وجود دارد.

درباره اظهارات جوزپ بورل مبنی بر پایان ادعای رهبری آمریکا دربر جهان

رهبری جهانی در قرنطینه کرونا!

با گفتمان چندجانبه‌گرایی خود به مشکل و تهدیدی جهانی تبدیل کند، دونالد ترامپ با پیش کشیدن مباحث مرتبط با ملی‌گرایی و شعار «اول آمریکا»، بحران جهانی‌ای را که می‌توانست با همکاری‌های جهانی زودتر حل و فصل شود، به بحرانی صرفاً آمریکایی تبدیل کرد. همچنین در شرایطی که دولت آمریکا می‌توانست با برگزاری جلسات شورای امنیت، سران گروه G20 یا در خواست برای برپایی جلسات اینترنتی با سران کشورهای مختلفی که درگیر کرونا بودند، نقش مهمی در راهبردهای جهانی مبارزه با کرونا داشته باشد، ترجیح داد نگاه به درون داشته و همانطور که استغاف والت، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل بیان کرده است، به نظرات رئالیستی بودن فضای بین‌الملل مهر تأیید بزند.

ترامپ رئالیست و افول آمریکا در جهان

درباره به سایه رفتن آمریکا در دوران شیوع کرونا مطالب زیادی نوشته شده است. از همان ابتدای مطرح شدن پاندمی یا جهانی شدن ویروس کرونا، دولت ایالات‌متحده به جای به دست گرفتن رهبری جهانی و تلاش برای بسیج کردن تمام کشورها از جمله متحدانش در اروپا و دیگر نقاط دنیا برای مبارزه با این بیماری، صلاح دید تنها به خودش فکر کند. البته در این راه شاهد اقدامات عجیب و غریب و دور از ذهن آمریکا در زردی دریایی و هوایی از دیگر کشورهای دنیا نیز بودیم اما آنچه برای سال‌ها همچنان در یادها مانده و ایالات‌متحده را برای گفتمان‌سازی درباره دیگر مسائل و بحران‌های بین‌المللی با مشکل روبه‌رو می‌سازد، تلاش آن برای دور ماندن از صحنه اتفاقات جهانی و مخالفت با هر گونه چندجانبه‌گرایی در صحنه سیاست جهانی بود.

چندجانبه‌گرایی قربانی شعار «اول آمریکا»

تا قبل از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، مهم‌ترین مسأله در سیاست خارجی آن کشور، رسیدن به مفهوم چندجانبه‌گرایی یا همان بسیج کشورهای مشترک‌المنافع و متحد در مقابل اتفاقات جهانی بود. با این حال دولت ترامپ ترجیح داد اقدامات مشترک و دسته‌جمعی را به اقدامات یکسویه و یکجانبه برای «حفظ آمریکا» تبدیل کند. مقایسه رفتار ترامپ با رؤسای جمهوری قبل از او در برخورد با بحران‌های جهانی، نشان می‌دهد مبارزه با شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی در جریان ویروس کرونا دقیقاً خلاف رفتار اوپاسما و حتی جرج بوش در بحران‌های اقتصادی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ آمریکا بوده است. جرج بوش برای به راه انداختن جنگ در افغانستان و عراق یک‌تنه وارد ماجرا نشد و سعی کرد با ایجاد همکاری و هماهنگی بین‌المللی، ائتلافی برای این اقدامات تشکیل دهد و با تقویت چندجانبه‌گرایی، مشکل امنیت آمریکا در درون مرزهایش را به مشکلی جهانی تبدیل کند. در شرایطی که بوش توانسته بود تهدید علیه آمریکا و منافعش را

است. یان برمر، استاد روابط بین‌الملل آمریکایی بیان کرده است: «اگر آمریکا در جنگ سرد بر کمونیسم پیروز شد به این دلیل بود که ایده‌ها و ارزش‌های آمریکایی آن زمان بر کمونیسم ارجحیت برتری داشت. رویای آمریکایی، آزادی، آزادی بیان، حکومت قانون و حکمفرمایی اقتصادی بازار آزاد در دهه ۸۰ میلادی، ایده‌هایی برتر نسبت به کمونیسم به نظر می‌رسیدند و به همین دلیل مردم در بلوک شرق اروپا که تنها می‌توانستند درباره این آزادی‌ها رویاپردازی کنند، از آنها حمایت کردند».

در طول چند سال گذشته دنیا به بی‌ارزش بودن به ظاهر ارزش‌های آمریکایی پی برده است. دولت‌های مختلف در ایالات‌متحده جلوسوی آزادی‌های مدنی را گرفته‌اند، اقلیت‌های قومی -نژادی در بدترین وضعیت خود طی چند سال اخیر قرار دارند و آزادی بیان در مطبوعات با درگیری‌های لفظی ترامپ با خبرنگاران بیشتر از روزهای آمریکایی بوده است. سیستم سرمایه‌داری دیگر ایده‌ای برای روزهای بحرانی ندارد و ناکارآمدی خود را در نقاط عطف تاریخی به نمایش گذاشته است و در نهایت رویای آمریکایی هر روز بیشتر از روز قبل به کلیوس آمریکایی تبدیل شده است. بی‌معنی شدن ارزش‌های آمریکایی، بویژه ناکارآمدی نظریه استثنائگرایی آمریکایی که آمریکایی‌ها و آمریکا را سرزمین و مرهمی برگزیده می‌دانست که با تمام جهان تفاوت دارند و قادر به حل مشکلات و بحران‌ها هستند، این روزها بیشتر از هر زمان دیگری مفهوم رهبری آمریکا در جهان را با سوال مواجه کرده است. مهم‌ترین سوال اما این است: «به ظاهر ابرقدرتی که توان رویارویی با یک بیماری را نداشته و مردمش به رکورد جهانی قربانیان کرونا انگشت‌نما می‌شوند، چگونه می‌تواند برای رهبری دنیا ایده داشته و آنها را اجرایی سازد؟» همانطور که استفان والت بیان کرده است: شاید آمریکا تا ۸۰ - ۷۰ سال پیش در ایجاد هماهنگی بین‌المللی جهت تحقق اهداف جهانی‌اش خوب عمل می‌کرد اما نگاهی به تکروری‌ها و یکجانبه‌گرایی آمریکا در طول بحران کرونا نشان داد دیگر نمی‌تواند رهبر خوبی برای دنیا باشد.

پی‌نوشت

- 1- <https://www.belfercenter.org/publication/realists-guide-coronavirus-outbreak>
- 2- <https://americapriority.com/news/eu-end-of-u-s-leadership-rise-of-china-happening-before-our-eyes-2/>
- 3- <https://www.npr.org/2020/04/30/848179346/pandemic-fuels-debate-trumps-america-first-or-u-s-global-leadership>

آن هم این روزها با انزوگرایی ترامپ شدت زیر سوال رفته است. ترامپ نمی‌تواند با نظامی‌گری به خواسته‌های خود برسد. جنگ‌های افغانستان و عراق، حل نشدن مسأله فلسطین با زور یا حتی مخالفت‌ها و مقابله‌های ایران با قلدرمایی آمریکایی، نشان داده است ترامپ نمی‌تواند با رد رهبری جهانی آمریکا به دنبال ریاست آمریکا بر جهان باشد. زمانی که منافع مشترکی وجود نداشته باشد، کشورها دیگر به رهبری آمریکا اعتمادی ندارند. شریک شدن در سود ابرقدرت بودن آمریکا شاید برخی کشورهای اروپایی و اعراب منطقه غرب آسیا را با دولت‌های ایالات‌متحده همراه می‌کرد و به ریاست و رهبری آمریکا در جهان مشروعیت می‌بخشید اما این روزها این کشورها در زین دوستی با آمریکا شریک شده‌اند و در شرایطی که خودیاری یا همان شعار «اول آمریکا» باعث به راه افتادن جنگ تجاری بین این کشورها و ایالات‌متحده شده، دیگر دلیلی برای سر سپردن به رهبری آمریکانیز وجود ندارد. بر همین اساس است که جوزپ بورل، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی بیان کرده است دوران رهبری آمریکا در جهان پایان یافته است. او این مسأله را روندی می‌داند که از مدت‌ها پیش در جریان بوده است اما مسأله کرونا به آن شدت بیشتری بخشیده است.

این روند به قدری سریع اتفاق افتاده است که در درباره پایان دوران رهبری آمریکا و ورود به عصر آسیایی هشدار داده و بیان می‌کند: مدت‌هاست تحلیلگران درباره پایان سیستم تحت رهبری آمریکا و ورود به عصر آسیا صحبت می‌کنند و این مسأله اکنون در مقابل چشمان ما در حال روی دادن است.

این مسأله البته مدت‌های زیادی است که در مقابل چشم جهان در حال اتفاق افتادن است. زمانی که ترامپ سازمان‌های بین‌المللی را نادیده گرفته و به صورت یکجانبه سیاست خارجی آمریکا را پیش می‌برد، زمانی که پیمان ناتو را بی‌ارزش تلقی می‌کرد، زمانی که دولت او از قراردادهای بزرگ بین‌المللی مانند توافق آب و هوایی پاریس یا برجام به دلایل واہی بیرون می‌آمد، زمانی که توافق‌های چندجانبه نظامی مانند پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد را که باعث به وجود آمدن آرامش نسبی در فضای سیاست‌های نظامی ابرقدرت‌ها می‌شد بی‌اهمیت تلقی می‌کرد، و یا زمانی که با کشورهای اروپایی، کانادا، مکزیک و چین جنگ تجاری به راه انداخته بود، در همه این موارد در حال از بین بردن نظم فعلی جهانی بود. نمی‌دانست این کار در نهایت رهبری جهانی آمریکا را زیر سوال برده و این کشور را از منظر سیاست خارجی وارد دوره افول خود می‌کند.

بی‌ارزش شدن ارزش‌های آمریکایی
مسأله دیگر در این میان اما ارزش‌های آمریکایی